



---

## نماز جمعه در عصر صفویه

نویسنده: آصفی، رضا

اطلاع رسانی و کتابداری :: کتاب ماه دین :: خرداد 1383 - شماره 80

از 12 تا 17

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/34116>

دانلود شده توسط : امینه امیدی

تاریخ دانلود : 1393/03/27 08:24:49

---

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.com](http://www.noormags.com)



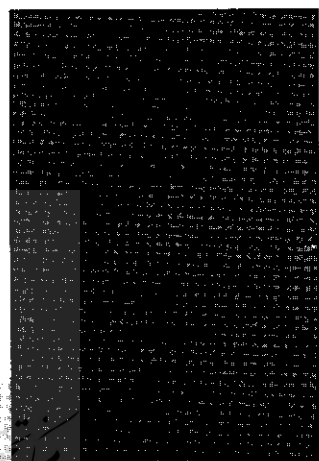
معرفی کتاب

# نماز جمعه در عصر صفویه

• دوازده رساله فقهی درباره نماز جمعه از روزگار صفوی  
• رسول جعفریان  
• انصاریان، ۱۴۲۳

تشکیل دولت صفویه (۹۰۷ ق) و رسمیت یافتن تشیع در ایران که روندی تدریجی داشت، تأثیرات شگرفی در فرهنگ و تمدن ایران زمین نهاد. مهاجرت علمای شیعه مذهب جبل عامل به ایران و نقش مهمی که این گروه از فعالان دینی در ایران ایفا کردند، تا به حال از جنبه‌های مختلفی بررسی شده است،<sup>۱</sup> هر چند هنوز جای پژوهش در برخی از جنبه‌های مهاجرت این عالمان باقی مانده است. یکی از مسائلی که در پی مهاجرت عالمان جبل عاملی در دوره صفویه به صورت مسئله‌ای مورد جدل و مناقشه بین فقها بود، برگزاری نماز جمعه و بحث از وجوب تعیینی یا تخییری بودن آن و دمواردی حرمت آن بوده است.<sup>۲</sup> نخستین فقهی که در این باره رساله‌ای نگاشت، زین الدین / نورالدین علی بن عبدالعالی کرکی (متوفی ۹۴۰ ق)، فقیه متنفذ عصر صفویه بود.<sup>۳</sup> کرکی در این رساله و در دیگر آثار فقهی خود از وجوب تخییری نماز جمعه سخن گفت. فقیه عاملی که هیچ‌گاه به ایران مهاجرت نکرد، زین الدین بن علی عاملی (متوفی ۹۶۵ ق) است که در سنت شیعه به شهید ثانی مشهور است.<sup>۴</sup> وی برخلاف کرکی که از وجوب تخییری نماز جمعه سخن گفته بود، از وجوب تعیینی نماز جمعه سخن گفت و رسائلی در این باب نگاشت. اکثر فقهای عصر صفویه به یکی از این دو گرایش تعلق داشته‌اند، هر چند معدودی نیز اساساً قائل به حرمت بودند.

این اثر یا مقدمه مفصلی در بیان تاریخچه برگزاری نماز جمعه، پیشینه اقامه نماز جمعه در میان شیعیان در چشم‌انداز تاریخی به بحث از برگزاری نماز جمعه در قبل از دوره صفویه، آغاز شده است. کهن‌ترین شاهد تاریخی که به برگزاری نماز جمعه شیعیان اشاره کرده، اشارات ابن جوزی (متوفی ۵۹۷) در ذیل حوادث سال ۴۲۰ و مسجد مشهور شیعیان در برائنا است. (ص ۲۲-۲۴) گزارش‌های عبدالجلیل قزوینی نیز در کتاب النقص اطلاعات جالب توجهی از برگزاری نماز جمعه شیعیان دارد (ص ۲۴-۲۶). بخش بعدی نوشتار گزارش مفصلی از برگزاری نماز جمعه در دوره صفویه (ص ۲۶-۳۵) و گزارش کوتاهی از نماز جمعه در دوره قاجار (ص ۳۵-۳۷) است. از نکات



۱. اشاره عصر صفویه از حیث رشد و گسترش فقه شیعه اهمیت فراوانی دارد. در سالیان اخیر حجم چشمگیری از آثار فقهای این دوره به چاپ رسیده است، هر چند هنوز، مسائل و آثار چاپ نشده فراوانی باقی مانده است. اهمیت این آثار تنها از بعد فقهی آن نیست، بلکه گاه اطلاعات موجود در این رسائل فقهی امکان بازسازی آن دوره از تاریخ را می‌دهد. از مهم‌ترین این رسائل، آثاری درباره نماز جمعه است که یکی از بحث برانگیزترین مسائل عصر صفویه بوده‌است. به عبارت دیگر کمتر فقهی‌رای می‌توان یافت که رساله‌ای در این موضوع نگاشته نباشد، یا در اثر فقهی خود متعرض این مطلب نشده باشد. با این حال بخش اعظم این رساله‌ها، به جز معدودی، هنوز به صورت خطی باقی مانده‌اند. اخیراً آقای رسول جعفریان با کوشش بی‌گیر و خستگی‌ناپذیر خود، بخشی از این آثار را به چاپ رسانده‌اند. ایشان به تازگی دوازده رساله از این نوع آثار را در کتاب دوازده رساله فقهی درباره نماز جمعه از روزگار صفوی به چاپ رسانده‌اند. نوشته حاضر مروری بر این کتاب است.



جالب توجهی که نویسنده اثر به آن اشاره کرده‌اند، متأثر بودن تشکیلات و ساختار نهادهای دینی دولت صفویه از دولت عثمانی است (ص ۲۷)، هر چند ایشان اشاره کرده‌اند که شاهدهی بر این که شاهان صفوی دستور به برگزاری نماز جمعه داده باشند، در دست نیست. همچنین ارتباط بین گرایش اخباری‌گری و اعتقاد به وجوب تعیینی از نکات مورد توجه وی بوده و ایشان نوشته‌اند: «... باید دانست که غالب آن دسته از فقها، که قائل به وجوب عینی نماز جمعه بودند و اینان بیش‌تر اخباری‌ها هستند، اساساً شرط وجود امام معصوم و نایب خاص و عام او را در عصر غیبت لازم نمی‌دیدند تا نایب‌ی به سلطان یا دیگر صاحب منصبان باشد. در واقع اینان نماز جمعه را منصبی حکومتی نمی‌دیدند، با این حال، در عمل، اقامه نماز جمعه، دست کم در شهرهای مهم، را کسان‌ی برگزار می‌کردند که از طرف حکومت منصوب بودند» (ص ۳۱، نیز ص ۵۲-۵۵).<sup>۶</sup>

رساله دوم این مجموعه، رساله فی صلاة الجمعة از زین‌الدین بن علی عاملی (متوفی ۹۶۵)، یکی از متفقدترین فقهای عصر صفویه است<sup>۷</sup> که اغلب نگارندگان رسائل عصر صفوی، خاصه قائلان به وجوب تخیری، نظر او را در وجوب تعیینی انتقاد کرده بودند و از وی در ضمن رسائل خود سخن گفته و آرای او را ذکر کرده‌اند. شرح حال مفصل شهید ثانی را رضا مختاری در سلسله‌مقالاتی با عنوان پژوهشی در سرگذشت شهید ثانی در مجله نورعلم، شماره‌های ۲۲، ۲۴، ۲۶ و ۲۷ (مرداد - شهریور ۱۳۶۶ تا مرداد شهریور ۱۳۶۷) آورده‌اند که اینک در مجلد اول مقالات ایشان با عنوان جمع پریشان (ج ۱، ص ۳۴۷-۳۹۹) منتشر شده است.<sup>۸</sup> مؤلف نیز اختصاری از این گزارش‌ها را در آغاز رساله آورده‌اند (ص ۱۳۱-۱۳۵). متن این رساله نیز به تصحیح رضا مختاری و با موافقت ایشان در این مجموعه آورده شده است (ص ۱۳۷-۱۸۱).

سومین رساله این مجموعه، «البلغة فی بیان اعتبار إذن الامام فی شرعية صلاة الجمعة» از حسن بن علی بن عبدالعالی کرکی، نقدی بر رساله شهید ثانی و دفاع از آرای فقهی محقق کرکی، پدرونیسیده است. اطلاعات چندانی درباره حسن بن عبدالعالی در منابع نیامده است. جز این رساله، وی کتابی به نام عمدة المقال فی کفر اهل الضلال نیز داشته که شیخ حر عاملی در رساله الاثنی عشریه خود از آن بهره برده و افتندی نیز به نسخه‌ای از این کتاب که در اختیار خود داشته، اشاره کرده و از محتوای آن گزارشی آورده است.<sup>۹</sup> (ریاض العلماء، ج ۱، ص ۲۶۰) همچنین رساله کوتاهی از وی به نام الامر بالمعروف والنهي عن المنکر نیز باقی مانده است (مدرسی، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۲۰۴). نویسنده از نسخه اساس تصحیح خود یادی نکرده، اما ظاهراً این رساله را براساس نسخه موجود از این رساله در کتابخانه آیت‌الله مرعشی به شماره ۴۶۹۷ (رساله اول مجموعه) تصحیح کرده است. درباره تاریخ تألیف این رساله، مؤلف به نقل از آقا بزرگ‌تهرانی (الذریعة، ج ۳، ص ۱۴۶)، اول شعبان ۹۶۶ را ذکر کرده‌اند. اما به گمانم این تاریخ ناشی از خلط میان حسن کرکی و پسر خواهر اوسید حسین کرکی باشد که رساله‌ای در نماز جمعه با عنوان اللمعة فی امر صلاة الجمعة دارد که در (۹۶۶ ق) از تألیف آن فراغت یافته است. (ریاض العلماء، ج ۲، ص ۶۶)<sup>۱۰</sup> احتمالاً رساله حسن کرکی، علاوه بر نقد آرای شهید ثانی که به صراحت از وی با عنوان «بعض الفائزين بدرجة الشهادة» (ص ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۶) یاد کرده، به رساله العقد الحسينی ببالعقد الطهماسبی تألیف حسین

برگزاری نماز جمعه در دوره صفویه با دشواری‌هایی نیز همراه بود. بخشی از این دشواری‌ها را مخالفان برگزاری نماز جمعه در عصر غیبت، یعنی قائلین به تحریم به وجود می‌آوردند، چون عبدالحمی رضوی کاشانی (ص ۳۸-۴۰) و برخی ناشی از رقابت‌های بین افراد در تصدی این منصب برای اغراض دنیوی بود که فیض در رساله شکواییه یا اعتداریه خود با آه و ناله فراوان از آنها یاد کرده است که مؤلف ترجمه فارسی بخش عمده این رساله را آورده‌اند (ص ۴۱-۵۲). همچنین وی گزارش نسبتاً جامعی از سه رساله مهم نماز جمعه عصر صفوی یعنی رساله محقق کرکی (ص ۵۹-۶۲)، رساله شهید ثانی (ص ۶۲-۶۶) و فیض کاشانی (ص ۶۶-۶۹) را با ذکر اهمیت آنها ارائه کرده‌اند. گزارش توصیفی کامل از رساله‌های نگاشته شده درباره نماز جمعه همراه با نسخه‌شناسی تقریباً کاملی از این آثار با تفکیک موضوعی آنها (رساله‌های دال بر وجوب تعیینی، رساله‌های دال بر وجوب تخیری، رساله‌های دال بر حرمت) آورده‌اند<sup>۱۱</sup> (ص ۷۰-۹۲). این کتابشناسی مربوط به آثار عصر صفویه است و در بخش جداگانه‌ای، فهرست کتاب‌های تألیف شده درباره نماز جمعه از قرن ۱۳ تا ۱۵ را نیز آورده‌اند (ص ۹۵-۱۰۲).<sup>۱۲</sup>

اولین رساله این مجموعه، «رساله فی صلاة الجمعة» تألیف زین‌الدین علی بن عبدالعالی کرکی (متوفی ۹۴۰ ق) فقیه نامدار عصر صفوی است که نوادگان دختری وی در چند نسل متوالی عهده‌دار مقامات بالایی نیز در دولت صفویه شدند.<sup>۱۳</sup> همچنین محقق کرکی، بحث نسبتاً مفصلی در این باره در کتاب جامع المقاصد فی شرح القواعد<sup>۱۴</sup> نیز آورده است. همان گونه که مؤلف نیز اشاره کرده‌اند، رساله محقق کرکی از رسائل مورد توجه نماز جمعه در عصر صفویه بوده و در همان روزگار محمدصادق سرکانی (زننده در ۱۰۳۳) متن آن را از عربی به فارسی ترجمه کرده است. متن این رساله

مشابه، به وی بی‌اعتنایی شده است. نقد فاضل سراب نیز بر این رساله، یکی از این پاسخ‌ها به تجلی بوده است. مولی محمد بن عبدالفتاح تنکابنی مشهور به فاضل سراب (متوفی ۱۱۲۴ ق) یکی از عالمان به‌نام عصر صفویه است که مؤلف به تفصیل شرح حال وی، آثار و مشایخ او را ذکر کرده‌اند (ص ۲۱۸-۲۲۴). این رساله نیز براساس نسخه خطی ۴۶۵۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تصحیح شده است. همان‌گونه که مؤلف نیز اشاره کرده‌اند، نسخه دیگری از این رساله در کتابخانه مجلس به شماره ۵۳۵۳ موجود است. ویژگی خاص این دو رساله فارسی بودن آنها است.

در آغاز نوشتار اشاره شد که رسائل نماز جمعه در عصر صفوی رابراساس موضوع، به سه دسته کلی می‌توان تقسیم کرد، رسائلی که در اثبات وجوب تعیینی نوشته شده است؛ رسائلی که در اثبات وجوب تخییری تألیف شده؛ و رسائلی که در حرمت اقامه نماز جمعه در زمان غیبت است. رساله بعدی این مجموعه به دسته اول تعلق دارد و تألیف محمدباقر سبزواری (متوفی ۱۰۹۰ ق) عالم و فقیه نامور عصر صفوی که دو کتاب ذخیره المعاد و کفایة الاحکام وی محل استناد فقها بوده است.<sup>۱۳</sup> در مقدمه‌ای که نویسنده بر این رساله نگاشته‌اند (ص ۳۰۷-۳۱۱) به تفصیل از وی و آثار سبزواری سخن گفته‌اند. این رساله براساس دو نسخه نسبتاً متأخر آستان قدس رضوی شماره ۲۱۲۴۷ با تاریخ کتابت ۱۳۴۱ ق و نسخه ۳۰۳۲ کتابخانه آیت‌الله مرعشی با تاریخ کتابت (گویا) ۱۲۲۵ تصحیح شده است.

همچنین سبزواری رساله‌ای در نماز جمعه به فارسی داشته که در چند نسخه خطی باقی مانده است. آقای مدرسی، فهرست تقریباً کاملی از آثار سبزواری یا گزیده‌ای از برخی از مهم‌ترین نسخه‌های آن آورده است. (مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ۲۴۱-۲۴۵). بیشترین تأثیرپذیری سبزواری در این رساله، رساله نماز جمعه شهید ثانی و آرای وی است. همین‌گونه سبزواری در نقد آرای قائلان به وجوب تخییری بیشتر به رد و نقل آرای محقق کرکی توجه داشته است. بخش‌هایی از رساله فارسی سبزواری در ضمن نقد تجلی بر رساله‌وی در رساله بعدی این مجموعه آمده است. تجلی نقدی به رساله فارسی سبزواری داشته که مؤلف آن را براساس نسخه ۴۶۵۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تصحیح کرده‌اند. این رساله نیز از رسائل مفصل این مجموعه و به فارسی است (ص ۳۵۹-۴۰۳).

رساله بعدی این مجموعه، به عالم اصولی و فقیه نامور عصر صفوی، مولی عبدالله تونی تعلق دارد که کتاب اصولی او، الوافیة فی اصول الفقه، اثری رایج در حوزه‌های علمیه بوده و به تازگی نیز چاپ انتقادی از آن منتشر شده است. این رساله براساس نسخه ۱۱۳۳۵ کتابخانه آستان قدس تصحیح شده است (ص ۴۰۹-۴۴۸). رساله بعدی این مجموعه، رساله‌ای به عربی از فاضل سراب است که به‌اشاره استاد خود محقق سبزواری این رساله را در نقد تونی که نقدی بر سبزواری در رساله خود داشته، نگاشته است، گرچه فاضل سراب در این رساله تأملی بر آرای ملاخلیل قزوینی (متوفی ۱۰۸۹ ق) که از قائلان به حرمت نماز جمعه بوده، نیز داشته است. این نسخه براساس دو نسخه مسوده و بیاض رساله به خط فاضل سراب که به کتابخانه آیت الله سید محمد علی روضاتی حفظه الله<sup>۱۴</sup> تعلق داشته، تصحیح شده است. این رساله نیز از رسائل بلند این مجموعه است (ص

بن عبدالصمد حارثی (متوفی ۹۸۴ ق) هم نظر داشته است. و در این رساله ضمن دفاع از آرای شهید ثانی، به نقد دیدگاه محقق کرکی پرداخته است.<sup>۱۵</sup> رساله بعدی این مجموعه که یکی از بلندترین رسائل این مجموعه است، (ص ۲۲۵-۳۰۵) در حقیقت دو رساله است. این رساله نقد ملامحمد تنکابنی مشهور به فاضل سراب در نقد میرزا علی رضا تجلی شیرازی است که فاضل سراب متن کامل رساله تجلی را در رساله خود آورده است. میرزا علی رضا از عالمان شاعرپیشه دوره صفوی است که سیطره قدرت شاعری وی، بعد فقهی او را در سایه قرار داده است.<sup>۱۶</sup> وی مثنوی به نام معراج الخیال دارد که به‌چاپ نیز رسیده است (بمبئی، ۱۳۱۳). افندی (ریاض العلماء، ج ۴، ص ۹۵-۹۶) از وی یاد کرده و گفته که تجلی در آغاز نزد آقا حسین خوانساری شاگردی کرد، سپس به هند رفت و بعد از بازگشت به ایران به ایروان کوچید و بعدها به اصفهان بازگشت و همان جا مورد توجه شاه سلیمان صفوی قرار گرفت. و به عنوان یکی از مدرسان مدرسه مادر به تدریس پرداخت. افندی به علت یا علل کناره‌گیری وی از این منصب اشاره‌ای نکرده، فقط به اشاره گفته که داستان‌های زندگی وی شگفت و طولانی است. خداوند ما و او و سایر مؤمنان را ببخشد. سپس در ادامه از آثار او، به رساله‌اش در نقد دیدگاه محمدباقر سبزواری، رساله‌ای فارسی از تجلی در نماز جمعه که فاضل سراب آن را نقد کرده، تفسیر قرآن، دیوان اشعار وی در امامت به نام سفینه النجاة اشاره کرده است. همان‌گونه که مؤلف نیز اشاره کرده‌اند (ص ۲۱۶-۲۱۷) تجلی آثار دیگری چون حاشیه حاشیه تهذیب المنطق، صحة النظر فی تحقیق الفرقه الناجیه الاثنی عشر، ترجمه و شرح عهدنامه‌مالک اشتر نیز داشته است.<sup>۱۷</sup> بخشی از منشآت تجلی نیز در ضمن کتاب مجمع الافکار محمد حکیم هندی که نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس به شماره ۱۴۲۰۹ وجود دارد، آمده است. نویسنده درباره اهمیت رساله تجلی نوشته‌اند: «تجلی در این رساله مقدار زیادی از آرای فقهای پیشین را آورده و ضمن رد وجوب عینی نماز جمعه، شهید ثانی را به عنوان نخستین کسی که نظریه وجوب عینی را طرح کرده، شناسانده است. وی همچنین علاوه بر رد محقق سبزواری، طعن‌های هم بر فیض کاشانی که قائل به وجوب عینی بوده‌زده و نشان داده است که مخالفت وی نه فقط از بابت اعتقادش به وجوب عینی بلکه به دلیل مشی فکری فیض و نگرش التقاطی او در اقتباس از متون مختلف و تغییر مواضعش در گاه و بی‌گاه است:

«و بالجمله مخالفت عقل و فهم و نقل و اختیار این قسم اقوال مبتدع و مذاهب مخترع از امثال ملامحسن کاشی که از خشویه بی‌بهره از تحقیق و تدقیق است، و مع‌هذا گاهی مرید تصوف محی‌الدین عربی است، و زمانی هم داستان و عظم محمد غزالی و وساعتی با حکمای منشاء جفت می‌دود و لمح‌های بی‌فروغ مشکات عرفای اشراق طی راه می‌کند و پروایی از مخالفت اصحاب نداشته، بر هر چه قدرت التقاط و قوت انتحالش وفا کند، بی‌ملاحظه در بطون کتاب به نام خود ثبت می‌نماید، استبعادی ندارد ولیکن از مثال حضرت آخذ که خود را در علوم عقلیه و نقلیه سرآمد می‌داند، بسیار بسیار مستبعد است» (ص ۲۱۷-۲۱۸).<sup>۱۸</sup>

از این مثال می‌توان دریافت که سخنان تند تجلی در رنجاندن معاصران او از وی چه نقشی داشته است و احتمالاً به سبب همین سخنان یا سخنان

خلفا در خطبه نماز جمعه، گویا از زمان ابو جعفر منصور عباسی (متوفی ۱۵۸ ق) رسم شده بود. زمانی که دولت صفوی بر سرکار آمد، این بدعت کنار گذاشته شد و به همین دلیل، در خطبه های نماز جمعه بعد از آن، نامی از سلطان وقت برده نشد.» (ص ۲۱).

گاه در برخی از این رساله ها، اطلاعات جالبی درباره اوضاع برگزاری نماز جمعه در عصر صفویه آمده است. همان گونه که در رساله محقق سبزواری، اطلاعات جالبی از مشکلات برگزاری نماز جمعه در عصر صفویه آمده است. (ص ۳۲۸-۳۴۱) کتاب تقریباً غلط چاپی ندارد. و در تأمل اجمالی که بر این کتاب داشته‌ام به چند نکته برخوردیم (ص ۷۱، ۷۶، ۱۰۳، ۱۳۴، ۲۸۲). کتاب نمایه اعلام نیز ندارد که این در بهره گیری از آن تأثیر دارد. یکی از مهم ترین رسائل نماز جمعه عصر صفوی، رساله العقدا الحسینی بالعقد الطهماسبی حسین بن عبدالصمد حارثی (متوفی ۹۸۴ ق) است<sup>۳۲</sup> که تقریباً اشاره ای به آن نشده، در حالی که این رساله علاوه بر اهمیت فقهی، از حیث روشن کردن برهه ای از زندگی این عالم عاملی و مناسبات دین و دولت در عصر صفوی اهمیت بسیاری دارد که مقاله عالمانه ای نیز درباره آن نگاشته شده است. در بخش آگاهی های کتابشناختی درباره نماز جمعه، شرح حال شیخ علی بن هلال کرکی مشهور به منشار (متوفی ۹۸۴) به اختصار آمده است. شرح حال کامل وی را افندی در دو جای ریاض العلماء آورده است (ج ۴، ص ۲۶۶-۲۸۳، ۲۸۵). در پایان کتاب عکسی از چند نسخه استفاده شده در این کتاب آمده است. بی تردید این کتاب رایباید یکی از متون بسیار مهم برای پژوهشگران عصر صفوی، خاصه تحولات مذهبی و تاریخ فقه دانست. تلاش ستودنی مصحح کتاب را نیز باید قدر نهاد.

**پی نوشت ها:**

۱- روند تدریجی گسترش تشیع در عصر صفویه در ایران مورد توجه محققان نیز بوده است. برای مطالعه در این باره ر. ک: محمد تقی دانش پژوه، یک پرده از زندگی شاه تهماسب صفوی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۵۰، ص ۹۱۸-۹۲۲؛ Rosemary stanfield Johnston, "sunni survival in safavid Iran: Anti-sunni Activites during the Reign of Tahmasp I", *Iranian studies*, Vol. 27(1994), pp. 123-133.

۲- به جز برخی اشارات پراکنده که به مهاجرت فقهای عاملی به ایران شده است، اولین مقاله عالمانه ای که به تشریح این مهاجرت پرداخته است، مقاله کوتاه آلبرت حورانی با عنوان «مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در مجله BSOAS ۱۹۸۶ منتشر شده که مرحوم مرتضی اسعدی نیز آن را در کیهان فرهنگی، سال سوم، شماره هشتم (آبان ۱۳۶۵)، ص ۱۳-۱۶ ترجمه کرده است. بعد از آن مقالات آندرو نیومن که بخشی از پایان نامه وی بوده، مهم ترین تحقیق قابل ذکر است. همچنین آقای دون استوارت و خانم ریولاجوردی اییسا نیز مقالات مهمی در این باب نگاشته اند. کتاب بسیار مهم آقای جعفر المهاجر، با عنوان الهجرة العاملیة الی ایران

۴۵۱-۵۵۹). رساله بعدی این مجموعه، رساله در نفی وجوب عینی نماز جمعه از عبدالحی رضوی کاشانی است. کاشانی یکی از چهره های جالب توجه عصر صفویه است. وی نگاه انتقاد آمیزی به روحانیت داشته، هر چند خود نیز در سلک عالمان بوده و به تفصیل از این انتقادات در کتاب حدیقة الشیعه خود که رساله حاضر نیز در حقیقت بخشی از این کتاب است، سخن گفته است. در این رساله نیز وی از همین جنبه به موضوع نیز توجه داشته و انتقاداتی خاصه از ملا محسن فیض کاشانی بیان کرده است که مؤلف در آغاز مقدمه این رساله (ص ۵۶۱-۵۶۸) به تفصیل این موارد را بیان کرده است. از کتاب حدیقة الشیعه ظاهراً دو نسخه، یکی در کتابخانه مجلس و نسخه ای نیز در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۱۱۲۴ به خط مؤلف موجود است که ظاهراً مؤلف آن را بر اساس نسخه مرعشی تصحیح کرده اند. (ص ۵۶۹-۵۹۷) احتمالاً متن کتاب حدیقة الشیعه نیز به چاپ رسیده باشد. رساله کوتاه بعدی این مجموعه، رساله فی صلاة الجمعة از عالم عرب شیعی احمد بن سلامه نجفی است که اطلاعات اندکی درباره وی موجود است (ص ۵۹۹-۶۰۰)، همان گونه که رساله وی نیز مختصر و کوتاه است (ص ۶۰۱-۶۱۰).

یکی از عالمان اخباری برجسته نیمه دوم عصر صفوی ملا محمد طاهر قمی (متوفی ۱۰۹۸) است که آثار فراوانی از خود بر جای نهاده است که برخی از آنها همچون الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین یا الاربعین فی امامة الائمة الطاهرین (قم، ۱۴۱۸) به تحقیق سید مهدی رجایی؛ تحفة الاخیار در نقد صوفیه به تحقیق مرحوم داود الهمامی (قم، ۱۳۶۹) و آثار دیگری به چاپ رسیده اند. رساله وی به فارسی و در نقد رساله ملا حسن علی شوشتری (متوفی ۱۰۷۵ ق) است.<sup>۳۳</sup> گزارش جالبی از شرح حال ملا طاهر قمی و ملا حسن علی را مؤلف در آغاز این رساله (ص ۶۱۱-۶۱۷) آورده اند. این رساله بر اساس نسخه ۱۱۵۲۰ کتابخانه آیت الله مرعشی تصحیح شده است. آخرین رساله این مجموعه، رساله نماز جمعه از آقا جمال الدین خوانساری (متوفی ۱۱۲۲ ق) است که پیش تر آقای علی اکبر زمانی نژاد آن را تصحیح کرده و در مجموعه آثار خوانساری ها به چاپ رسیده است که مؤلف همین متن را با موافقت مصحح در اینجا آورده اند. متن این رساله نیز به فارسی است (ص ۶۸۳-۷۷۱).

دو نکته جالب توجه در این رساله ها وجود دارد. نخست در تمام این رساله ها، به سیادت پادشاهان صفوی اشاره شده است، البته این مسئله ربطی به درستی یا نادرستی این ادعا ندارد اما نشان دهنده تلقی به قبول این مسئله نزد فقهای عصر صفویه است. مطلب دوم به ماهیت این رساله ها برمی گردد. در اغلب این رساله ها عبارات متعددی از فقهای نقل شده که به طور گسترده و عیناً به صورت رونویسی از یکدیگر مورد استفاده فقهای این دوره بوده و اغلب از یکدیگر نقل شده است و برخی از این منابع نیز موجود نیستند و ظاهراً این نقل قول ها، تنها منقولات موجود از این آثار است. یکی از نکته های بسیار مهم که مؤلف به آن اشاره کرده اند، ذکر نشدن نام سلاطین صفویه در نماز جمعه است.<sup>۳۴</sup> ایشان در اشاره به این مطلب بر اساس نسخه خطی منهج الفضالین فی معرفة الائمة الطاهرین از محمد بن اسحاق بن محمد ابهری حموی (کتابخانه ملی، شماره ۲۱۹۷، برگ ۱۸) نوشته اند: «شاید اشاره به یک نکته در اینجا ضروری باشد و آن اینکه یاد کردن از نام



کرکی نیز پدید آمده، به دلیل خلط میان او و میسی است. حسین بن عبدالصمد از میسی با لفظ شیخنا یاد کرده است اما این دلیلی بر شاگردی مستقیم وی نزد میسی نیست. حارثی از میسی به واسطه شهید ثانی نقل روایت کرده است. فرزند میسی، ابراهیم بن علی بن عبدالعالی میسی یا جعی در ایران بوده و از حیات او در ۱۰۹۶ مطلع هستیم. جعفر المهاجر (ص ۲۳۱-۲۳۲) نخست از وی به شیخ ابراهیم بن علی جعی و سپس ابراهیم بن علی بن عبدالعالی میسی یاد کرده است. برادر وی احمد بن علی بن عبدالعالی میسی نیز به ایران مهاجرت کرده و در اصفهان سکونت داشته و در همان جا نیز درگذشت (جعفر المهاجر، ص ۲۳۶). مهاجر افراد دیگری از این خانواده را نیز معرفی کرده که جملگی در اصفهان سکونت داشته‌اند (الیهجرة العاملیه، ص ۲۳۸-۲۳۹، ۲۴۱-۲۴۰، ۲۶۰). اسکندر بیگ منشی (ج ۱، ص ۱۵۷) از نبیره شیخ ابراهیم بن علی بن عبدالعالی که به شیخ لطف‌الله میسی (در متن به خطا طوسی) یاد کرده که مسجد شیخ لطف‌الله وی در اصفهان مشهور است.

۵- شبی به خطا زین‌الدین عاملی را از مهاجران جبل‌العامل به ایران معرفی کرده است. ر.ک. کامل مصطفی‌الشیبی، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰)، ص ۳۹۴. فرهانی (ص ۸۸) به درستی اشاره کرده است که شهید ثانی خود به ایران نیامد، ولی برخی از نوادگان وی به ایران مهاجرت کرده‌اند. منشاء این اشتباه ظاهراً خبری در حبیب‌السیر (ج ۴، ص ۶۱۰) است که شیخ زین‌الدین علی، قدوة علماء عرب یاد کرده و درباره وی نوشته است: «قدوة اشرف علمای عرب و جامع اصناف فضل و ادب است، به کمال امانت و دیانت موصوف و به غایت تقوی و پرهیزگری معروف، و آن جناب در شهر سنه ۹۲۸ به دارالسلطنه هرات تشریف آورده، منظور نظر عاطفت نواب نامدار... گشت و به منصب شیخ الاسلامی قضای القضاتی منصوب شد... بعد از آنکه قرب دو سال به لوازم آن منصب پرداخته میل وطن مألوف نموده، و علم عزیمت به صوب دیار عرب برافراخت. سید نعمت‌الله حلی در سلک اجله سادات و علمای حله انتظام دارد و در اواخر سنه (۹۲۹ ق) بلده فخره هرات رابه یمن مقدم شریف مشرف ساخته، چنگامی در مصاحبت شیخ زین‌الدین علی به سر برده و همراه آن جناب روی توجه به عربستان آورد. تنها اشکال این متن تاریخ ۹۲۸ است که تصحیف است و صحیح آن ۹۱۸ است. می‌دانیم که کرکی در حدود ۹۱۷-۹۱۸ در هرات بوده است. ر.ک:

Newman, *The Myth of clerical Migration to Safawid Iran*, p. 79.

۶- البته این قاعده کلی نیست، اما عموماً این مطلب درست است. ر.ک. حسن طارمی، علامه مجلسی (تهران ۱۳۷۵)، ص ۶۷ و بی‌نوشت ۱۰۳.

۷- پیش از این نیز آقابزرگ در اثر سترگ خود الذریعه اطلاعات جالبی درباره این آثار گاه با ذکر نسخه‌هایی از آنها آورده است. ر.ک: الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۳، ص ۱۴۶، ج ۴، ص ۱۵۰ درباره کتاب آقارضا قزوینی (متوفی ۱۰۹۶ ق) که در کتاب خود احتیاطاً را ترک‌نماز جمعه دانسته است، ج ۵، ص ۲۰۰ (درباره رجاء الحق محمدطاهر قمی)، ج ۵، ص ۱۲۴، ج ۶، ص ۲۴۸، ج ۷، ص ۲۸۵، ج ۱۱، ص ۱۳۸، ۲۰۳، ج ۱۴، ص ۲۵۲ (درباره رساله شهاب الثاقب فیض)، ج ۱۵، ص ۶۲-۸۲، ۱۲۹، ۲۶۸ (درباره بخشی از کتاب العشرة الکامله سید قاضی نورالله)، ۲۹۰ (العقد الظهنامسی حسین بن عبد‌الصمد حارثی)، ج ۱۶، ص ۱۴۴، ج ۱۸، ص ۳۷، ۳۵۲-۳۵۳، ج ۲۰، ص ۳۱۵، ج ۲۱، ص ۳۳۵-۳۳۴، ۴۰۰.

فی‌العصر الصفوی: اسبابها التاريخية و نتائجها الثقافية و السياسية (بیروت: دارالروضة ۱۹۸۹/۱۴۱۰) به عربی، تحقیق مهمی در این باره است. در ایران نیز آقایان مهدی فرهانی منفرد در کتاب مهاجرت علمای شیعه از جبل‌العامل به ایران در عصر صفوی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷) و منصور صفت گل در کتاب ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی (تاریخ تحولات دینی ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری قمری) (تهران، ۱۳۸۱) از این موضوع بحث کرده‌اند. مقالات بی‌شمار حجت‌الاسلام رسول جعفریان، بدون هیچ تردیدی، جزء مهم‌ترین آثار مطالعات عصر صفویه است که خوشبختانه جملگی در کتاب صفویه در عرصه دین و فرهنگ و سیاست در سه جلد منتشر شده‌اند. مشخصات کتابشناختی مقالات نیومن، استوارت و ابی‌سبب چنین است:

Andrew J. New man, "The myth of clerical Migration to safawid Iran: Arab shiite opposition to Ali al-karaki and safawid shiism", *Die welt des Islam* 33 (1993), pp 66-112; idem, "Towards a Reconsideration of the Isfahan school of philosophy: shaykh Bahai and the Role of the safawid ulama", *Studia Iranica*, 15 (1986) pp 165-98; Rula Jurdi Abisaab, "The ulama of Jabal Amil in safawid Iran, 1501-1736: Mariginality, Migration and social change," *Iranian Studies*, Vol. 27 (1994), pp. 103-122; Devin J. Stewart, "A Biographical Notice on Baha al-Din al-Amili (d. 1030/1621)", *Journal of American Oriental Society*, III (1991), pp. 563-71; idem, "The First shaykh al-Islam of the safawid Capital Qazvin," *JAOS*, 116 (1996), pp. 387-405; idem, "Notes on the migration of Amili Scholars to safawid Iran," *Journal of Near Eastern Studies*, vol. 55, (1998), pp. 81-113; idem, *Islamic Legal Orthodoxy: Twelver Shiite Responses to the sunni Legal system* (The university of UTAH press, 1998).

۳- لمبتون اشاره اندکی به این موضوع با اهمیت عصر صفوی کرده است. ر.ک:

آن. کی. اس. لمبتون، دولت و حکومت در اسلام: سیری در نظریه سیاسی فقهای مسلمان از صدر اسلام تا اواخر قرن سیزدهم، ترجمه سید عباس صالحی و محمد مهدی فقیهی (نشر عروج، ۱۳۷۴)، ص ۴۳۳-۴۳۴.

۴- یکی از مطالبی که موجب خطای اکثر محققان دوره صفویه شده است، هم نامی دو فقیه عاملی یعنی زین‌الدین علی بن عبدالعالی کرکی (متوفی ۹۴۰) و نورالدین علی بن عبدالعالی میسی (متوفی ۹۳۸) است. نورالدین ابوالقاسم علی بن عبدالعالی میسی مشهور به ابن مفلح (افندی، ج ۴، ص ۱۱۶-۱۲۲) از مشایخ شهید ثانی است. افندی (ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۱۷ به نقل از امل‌الامل) تاریخ وفات وی را (۹۳۳ ق) ذکر کرده است، اما این تاریخ ظاهراً نادرست است، زیرا افندی در خبر دیگری به نقل از حسین بن عبدالصمد حارثی و مجموعه مهم خانوادگی وی، یعنی مجموعه جباعی، تاریخ وفات میسی را شب پنجشنبه ۲۵ یا ۲۶ جمادی الاول ۹۳۸ ذکر کرده است. برخی آشننگی‌ها که درباره تاریخ وفات محقق



- ج ۲۴، ص ۲۶۹، ج ۲۵، ص ۱۱۵، ۱۹۲-۱۹۳، ج ۲۶، ص ۱۷۱.
- ۸- گمان نمی‌کنم، آثار چندانی از قلم ایشان افتاده باشد. موردی که بنده اطلاع دارم، کتاب عنوان الطاعة فی اقامة الجمعة و الجماعة از فقیه معاصر سید اسماعیل بن احمد حسینی مرعشی حفظه الله است که در تهران: مکتبه الصدر، ۱۳۶۷ چاپ شده است. البته این کتاب سال‌ها قبل نیز منتشر شده است. از ایشان کتابی فقهی - حدیثی به نام اجماعیات فقه الشیعه و احوط الاقوال من احکام الشریعه نیز در دست چاپ است که ۳ جلد آن تا به حال منتشر شده است.
- ۹- دربارهٔ خاندان کرکی ر.ک: رسول جعفریان، نفوذ دویست سالهٔ خاندان محقق کرکی در دولت صفویه. این مقاله با عنوان درآمدی بر مشارکت علما در ساختار دولت صفوی (عامل خاندان کرکی و دولت صفوی) در حکومت اسلامی، سال ششم (تابستان ۱۳۸۲)، ص ۱۲۲-۱۹۴ نیز منتشر شده است؛ جعفر المهاجر، الهجرة العامیة، ص ۱۲۱-۱۳۳، ۱۹۳-۱۹۴، ۲۶۷-۲۶۸، ۲۶۸، ۲۳۲، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۲-۲۴۳، ۲۴۵، ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۶۷-۲۶۸، ۲۷۲؛ جعفر سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، فقهاء القرن الحادى عشر (قم، ۱۴۲۰)، ج ۱۱، ۸۱-۸۳.
- ۱۰- کتاب جامع المقاصد شرحی ناتمام بر قواعد الاحکام علامه حلی است. این بخش‌ها در هجده مجلد به چاپ رسیده است. همچنین ر.ک: الذریعه، ج ۵، ص ۷۲-۷۳.
- ۱۱- دربارهٔ شهید ر.ک: سید حسین مدرسی، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت (مشهد، ۱۳۶۸)، ص ۵۵، ۱۸۳-۱۹۹. 12- see also: Stewart, *Islamic legal Orthodoxy*, pp.86-92.
- ۱۳- نسخه‌ای از این کتاب رابه تازگی کتابخانه آیت... مرعشی خریداری کرده است.
- ۱۴- آقابزرگ در کتاب الذریعه، اطلاعات جالبی دربارهٔ آثار این فقیه آورده است. از آثار متعدد وی آقابزرگ به کتاب‌های ۱- استقبال المیت (رساله مبسوطه فی کیفیة استقباله و تحقیق القبلة)، ج ۲، ص ۲۹؛ ۲- الاقتصاد فی ایضاح الاعتقاد فی الامامة و الاعتقادات الحقہ (ج ۲، ص ۲۶۷)؛ ۳- ایمان ابی طالب، آقا بزرگ نسخه‌ای را دیده که در آن آغاز کتاب به علت آسیب دیدگی، قابل خواندن نبوده، ولی مؤلف آن در کتاب دیگر خود دفع المناوأة یاد کرده و براساس آن آقا بزرگ این اثر را از تألیفات کرکی دانسته است، ج ۲، ص ۵۱۲-۵۱۳؛ ۴- التنصیرة فی العقائد الحقہ، ج ۳، ص ۳۱۵؛ ۵- دعامة الخلاف فی ضلالة اهل الخلاف، ج ۸، ص ۱۹۹؛ ۶- دفع المناوأة عن التفضیل و المساواة فی بیان شأن علی امیر المؤمنین. آقابزرگ نسخه‌ای از این کتاب به خط مولی محمد بن علی بیرنی معرفی کرده است. کاتب از تحریر رساله در اواخر ربیع الثانی ۹۶۲ فراغت یافته و اشاره کرده که مؤلف کتاب را در ۴ ربیع الاول ۹۵۹ تألیف کرده است (ج ۸، ص ۲۳۲)؛ ۷- سیادة الاشراف فی أن المنتسب بالام الی هاشم هاشمی. این کتاب در اختیار سید محمد اشرف بوده و نقلی از آن در کتاب فضائل السادات آورده است. آقا بزرگ معتقد است که این کتاب، همان کتاب رساله فی تحقیق معنی السید و السیادة است که افندی از جمله تألیفات کرکی ذکر کرده است (ج ۱۲، ص ۲۶۹-۲۷۰)؛ ۸-
- کتاب الطهارة [ج ۱۵، ص ۱۸۵]؛ ۹- الطهماسیبة فی الامامة [ج ۱۵، ص ۱۹۳]؛ البلغة فی اعتبار اذن الامام علیه السلام فی شرعیة صلاة الجمعة [ج ۳، ص ۱۴۶]. ترجمه فارسی از کتاب دفع المناوأة به قلم علی بن زین العابدین عبیدی به کتابت محمد مقیم در ۱۰۵۰ در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۶۱۰۸ موجود است. ر.ک: محمد آصف فکرت، فهرست الفبائی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (مشهد، ۱۳۶۹)، ص ۲۵۱.
- ۱۵- رساله العقد الحسینی، دو بار به چاپ رسیده است. همچنین عبارتی دال بر علت برگزاری نماز جمعه در عصر غیبت از این رساله به کرات در متون بعدی نقل شده است. ر.ک: الشهاب الثاقب، ص ۵۱-۵۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۲۵؛ الحدائق الناضرة، ج ۹، ص ۳۸۸-۳۸۹. مرحوم اعجاز حسین کنتوری (ص ۳۸۳-۳۸۴) از دورسالة جدا به نام‌های العقد الحسینی و العقد الطهماسیبی یاد کرد. ولی این هر دو عنوان یک کتاب هستند.
- ۱۶- به عنوان مثال ر.ک: مدخل تجلی در دانشنامهٔ جهان اسلام؛ جعفر سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء: القرن الحادى عشر، ج ۹، ص ۲۱۰-۲۱۱.
- آقای مدرسی نیز در کتاب مقدمه‌ای بر فقه شیعه از این فقیه یاد کرده‌اند.
- ۱۷- از کتاب صحة النظر، نسخه‌ای در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ضمن مجموعه ۳۲۱۱ (رساله اول، برگ ۱-۲۱۹) و از ترجمه و شرح عهدنامهٔ مالک اشتر نیز نسخه‌ای در همان کتابخانه (فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۹، ص ۱۲۱۴) موجود است.
- ۱۸- فیض کاشانی نیز در رسالهٔ شرح صدر خود از برخی عالمان بدون اشاره به نام آنها انتقاد کرده است. همین گونه در رسالهٔ شکوایه یا اعتذار به متن رسالهٔ شرح صدر سال‌ها قبل در مجلهٔ جلوه (نشریهٔ جامعهٔ لیسانسیه‌های دانشکده علوم معقول و منقول)، همین ۱۳۲۴ ش / ۱۳۶۴ ق. ص ۳۹۳-۴۰۹ به چاپ رسیده است. این آثار را آقای جعفریان در ده رساله از فیض کاشانی تجدید چاپ کرده‌اند.
- ۱۹- دربارهٔ محقق سبزواری همچنین ر.ک: مدرسی، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۲۴۱-۲۴۵.
- ۲۰- دربارهٔ این کتابخانه ر.ک: سید محمد علی روضاتی، دوگفتار: پیرامون گوشه‌هایی از احوال و آثار علما؛ بزرگ خوانسار مهاجر به اصفهان و سیری در اجازه‌نامه‌ها (قم، ۱۳۷۸)، ص ۹۳، ۹۶-۱۱۵.
- ۲۱- دربارهٔ وی ر.ک: مدخل تستری، عبدالله بن حسین در دانشنامهٔ جهان اسلام.
- ۲۲- بدون توجه به این مطلب، آقای فرهانی (ص ۱۱۸ به بعد) برگزاری نماز جمعه را اقدامی در جهت مشروعیت بخشی به حکومت صوفیه از جانب علما دانسته است.
- ۲۳- دوین جی، استوارت، نخستین شیخ الاسلام قزوین، پایتخت صفویه؛ تحلیلی از رسالهٔ العقد الحسینی، ترجمه محمد کاظم رحمتی، آیینة پژوهش، شماره ۶۸ (خرداد - تیر ۱۳۸۰)، ص ۳۷-۵۷.